

حتی احزاب و ائتلاف‌هایی که خود را «ملی» یا تکنوکراتیک می‌خوانند، با این شبکه‌های شبه‌نظامی، درهم‌تنیده هستند. ائتلاف التأسيس عراق به رهبری محسن المندلاوی که ۸ کرسی کسب کرد، هماهنگی خود را با چارچوب هماهنگی اعلام کرده است. ائتلاف «ابشر یا عراق» به رهبری همام حمودی، با ۴ کرسی به سمت همان اردوگاه حرکت کرده است. ائتلاف خدمات به رهبری شبل الزبیدی، فرمانده حشد الشعبی و رئیس کتابت اسام علی نیز به عنوان نیرویی در حال ظهور در چارچوب هماهنگی سر بر آورده و ۵ کرسی کسب کرده است. در کنارش، بلوک واسط اجمل، به رهبری محمد جمیل المیاحی که ۴ کرسی برد، ایستاده است. این دو با هم و با ۹ کرسی‌شان،



رسماً به اردوگاه مالکی پیوسته‌اند و انسجام پارلمانی فراکسیون طرفدار ایران را محکم‌تر کرده‌اند. ائتلاف بازسازی و توسعه، ائتلاف نخست‌وزیر محمدشیاع السودانی، ۴۶ کرسی کسب کرد. این ائتلاف شامل جنبش عطا به رهبری فالح الفیاض، رئیس حشدالشعبی با ۱۰ کرسی می‌شود و همین طور بلوک بلاد سومر، معروف به بلوک سندن به رهبری احمدالاسدی، فرمانده جندالامام که ۶ کرسی برد. این تجمع قدرت، انسجام فراکسیون هماهنگ با ایران را تقویت می‌کند و وزن و توانایی پارلمانی آن‌ها را برای شکل‌دهی به دولت و نتایج سیاسی، بالا می‌برد.

شاید بحث‌برانگیزترین اتفاق، حرکت ناگهانی ائتلاف بازسازی و توسعه به سمت چارچوب هماهنگی است؛

کاری که پس از انتخابات پارلمانی در روز ۱۸ نوامبر انجام داد. در اظهاراتی در نشست خاورمیانه برای صلح و امنیت» که در دهوک برگزار شد، سودانی این حرکت را به عنوان تلاشی عملگراییانه برای تشکیل بزرگترین بلوک پارلمانی و تسهیل مذاکرات تشکیل دولت بعدی توجیه کرد و آن را نه جاه‌طلبی شخصی که مسئولیتی برای تکمیل پروژه‌ای دانست که برای عراق در نظر گرفته است. او تأکید کرد این تصمیم با استقلال عراق سازگار است و گفت کشور به عنوان پایگاهی برای نفوذ خارجی عمل نخواهد کرد. با این همراهی، بلوک پارلمانی چارچوب هماهنگی از ۱۱۹ کرسی به ۱۶۵ کرسی می‌جهد. این وزن سیاسی بی‌سابقه‌ای به چارچوب هماهنگی می‌دهد و تعادل قدرت را درون پارلمان تغییر می‌دهد. این تغییر صرفاً یک ائتلاف فنی نیست، بلکه علامتی است از تسلط روبه‌تعمیق سیاسی برای نیروهای هماهنگ با تهران در دوران پیش رو.

◀ جیمز جفری، سفیر سابق آمریکا در عراق و ترکیه (راست) و دیوید شنکر، معاون سابق امور خاور نزدیک در وزارت خارجه آمریکا(چپ) نویسندگان تحلیل

نگاه رسانه

بی‌توجهی واشنگتن به بغداد



مینا الغربی

ستون‌نویس فارن پالیسی و سردبیر رسانه اماراتی نشنال

انتخابات ۱۱ نوامبر عراق، ششمین انتخابات پارلمانی تحت قانون اساسی فعلی این کشور، ترکیبی از پارلمانی‌های قدیمی و جدید را پیش آورد. این انتخابات بیش از ۷ هزار نامزد داشت که برای ۳۲۹ کرسی رقابت می‌کردند، با ۳۱ اتحاد، ۲۸ حزب سیاسی و ۷۵ نامزد مستقل. حالا پارلمان جدید بنیاست در هفته‌های پیش رو جمع شود و صحنه برای انتخابات رئیس مجلس جدید، رئیس‌جمهور جدید و نخست‌وزیر جدید آماده شود.

ترکیب دولت آینده باید نسبتاً مستقیم باشد، اما سیاست در عراق هیچ‌وقت چنین نیست. طبقه سیاسی این کشور حالا وارد دوره آشنایی از چانه‌زنی و معامله‌گری پس از انتخابات شده‌اند. در دوره‌های پیشین انتخابات، تشکیل دولت ماه‌ها به طول انجامیده و در یک مقطع، رکورد جهانی طولانی‌ترین زمان برای تشکیل دولت در یک کشور را شکست. سؤال بزرگ این است که آیا احزاب سیاسی در حال رقابت اجازه خواهند داد نخست‌وزیر محمد شیاع‌السودانی، دولت بعدی را شکل دهد یا نه. فهرست انتخاباتی سودانی، بیشترین آمار رأی را به دست آورد و ۴۶ کرسی کسب کرد؛ اما تضمینی برای دوره دوم او نیست. در صحنه سیاسی چنددسته، حزب او اکثریتی که برای تشکیل دولت لازم داشت را به دست نیاورد و حالا که بده‌بستان در میان احزاب سیاسی شروع می‌شود، هیچ تاج‌پخش آشکاری در کار نیست.

یک هفته بعد از انتخابات، احزاب اسلام‌گرای مورد حمایت ایران زیر چتر «چارچوب هماهنگی» دور هم جمع شدند. آن‌ها اعلام کردند، با توجه به اینکه آن‌ها بزرگترین ائتلاف را در پارلمان تشکیل داده‌اند، حق انتخاب نخست‌وزیر بعدی با آن‌هاست. سودانی و فهرست انتخاباتی‌اش بخشی از آن ائتلاف هستند، اما سودانی با چندین عضو این ائتلاف، روابط تنش‌آلودی دارد، بالخصوص باسلفش، نوری المالکی، علاوه‌براین وتلاش کرده خود را در جایگاه رهبری ملی قرار دهد، فراتر از خط‌ومرزه‌ای فرقه‌ای.

چارچوب‌هماهنگی را احزاب سیاسی‌رقیبی تشکیل داده‌اند که منفعتی در حفظ نخست‌وزیری در ائتلاف خود دارند؛ اما رهبران رقیب، این را هم نمی‌خواهند که یکی از همتایانشان در موضعی قرار گیرد که به شکل قابل‌توجهی قوی‌تر باشد. از سال ۲۰۰۳، مالکی تنها نخست‌وزیری شد که بیش از یک دوره بر سر قدرت بود و به همین خاطر است که ممکن است چارچوب هماهنگی، کسی غیر از سودانی را انتخاب کند. در تمام این بازی‌های سیاسی، هنوز باید دید آیا دولت جدید صرفاً نمود بُرخوردن سمت‌های ارشد خواهد بود یا می‌شود تغییرات واقعی ایجاد کرد. همه نشانه‌ها حاکی از این هستند که ترکیب، همان ترکیب آشنای پیشین خواهد بود. قطعاً احزاب سیاسی اصلی همان‌ها می‌مانند، حتی اگر اصل نمایندگان‌شان فرق کنند. هر امیدی برای تشکیل دولتی اصلاح‌طلب که بتواند با مشکلاتی

مثل فساد، مصونیت و نابرابری مقابله کند، از بین رفته است. برندگان انتخابات افراد و منافع‌ی هستند که همین حالا هم در حال اداره کشورند. گروه‌های شبه‌نظامی تحت تحریم آمریکا، از قبیل سازمان بدر و کتابت حزب‌الله توانستند تحت پوشش بال سیاسی‌شان وارد عرصه قدرت شوند. در واقع، ممکن است در نهایت جایی در کاینده دولت آینده هم به دست بیاورند، مگر اینکه فشار بین‌المللی کافی وجود داشته باشد تا افراد مورد تحریم از پارلمان بیرون نگه داشته شوند. در میان همه این‌ها، هر فرصتی برای وارد کردن اصلاح‌طلبان یا سکولاریست‌ها که پیش از انتخابات هم اندک بود، حالا از بین رفته است. ایران، البته با دقت انتخابات و ترکیب دولت را زیر نظر دارد؛ تا جایی که دولت عراق شب انتخابات بیانیه‌ای صادر کردو از تحریکات ایران انتقاد کرد. تهران همواره به‌فرایند سیاسی عراق علاقه داشته است، اما حالا

کرسی خواهند نشست و اهرم نفوذ فعلی ایران در این جریان‌ها، به اندازه کافی اثرگذار خواهد بود.

از سوی دیگر، عراق کشوری درگیر بحران‌های بسیار در صحنه داخلی است. هر فردی بر کرسی دولت بنشیند، در مواجهه با این بحران‌ها احتمالاً به چالش‌هایی برخورد کند و هدف انتقاداتی قرار گیرد. مداخله فعالانه ایران در تشکیل دولت، در آن بزنگاه، ایران را نیز در زمره مقصران اصلی از نگاه منتقدان قرار خواهد داد. در شرایط فعلی نیز، اینکه ایران تا چه حد بتواند منافع خود را در عراق یا به وسیله این کشور پیگیری کند، به محدودیت‌های دیگری وابسته است و آن چنان، موضوع تفاوت بین نخست‌وزیران نیست که به زحمت دخالت و خطرات آن بیارزد.

به‌علاوه، یک دغدغه دیگر نیز احتمالاً در نظر تهران اثر داشته است: ایران در سال‌های اخیر، تا حدی در نتیجه نقش آفرینی مستقیم خود، مخالفت‌هایی نیز در افکار عمومی عراق جلب خود کرده است. در مقطع فعلی، کاهش قدرت دیپلماتیک ایران نیز به این معناست که نزدیکی به تهران می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در چنین بستری، این تصور بیراه نیست که اگر تهران، شبیه به دوره‌های سال‌های قدیم، برند خود را پشت یکی از گزینه‌ها قرار دهد، اثر منفی بر شناسن او برای کسب کرسی نخست‌وزیری یا حتی بر اقبال او در افکار عمومی پس از کسب کرسی هم بگذارد.

▼ تأثیر پروژه استقلال بر ایران و آمریکا

یک حقیقت دیگر را نیز در این میان باید در نظر گرفت: پروژه استقلال عراق، در صورتی که پیش برود، مناسبات این کشور را به معادلات معمولی تعامل خارجی نزدیک‌تر می‌کند. در چنین محاسباتی، البته ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت جهانی، همواره گزینه‌های بسیاری برای نقش آفرینی خواهد داشت، اما چنان‌که تحولات پس از صدام نشان داد، ایران به عنوان کشوری همسایه که رفع بخشی از نیازهای روز-مره عراق را نیز در اختیار دارد، فرصت‌هایی خوبی برای اثرگذاری بر روند تحولات عراق خواهد داشت. مهم‌ترین دغدغه بغداد جدید، این که عراق به پایگاهی برای اقدام علیه دیگران تبدیل نشود، یکی از انگیزه‌های مهم ایران برای نقش آفرینی در این کشور بوده است. رابطه عادی بین بغداد و تهران و تمایل عراق به این که دیگر صحنه و بستری برای جنگ و تقابل دیگران نباشد، تا حدی رافع بخشی از دغدغه‌های امنیتی ایران نیز خواهد بود. شاید از همین روست که در مجموع، ناراضیانی محافل واشنگتن از روندها در عراق در ماه‌های اخیر، پرسروصدا تر بوده و تریبون‌های تهران، در مجموع چندان اوضاع راناخوشایند نمی‌بینند.

▼ موقعیت مقطعی در بستر روند افول

واقعیت ماجرای این انتخابات و صحنه سیاسی عراق را در مجموع می‌توان چنین توصیف کرد: بهل، این انتخابات، بهترین نتیجه محتمل را از نظرگاه تهران داشته‌است. نیروهایی که در سابقه خود، نزدیکی بیشتری به تهران نشان داده بودند، نتایج خوبی حاصل کردند و نیروهایی که در مقابل ایران قرار می‌گرفتند، بالا نیامدند؛ اما صحنه کلی سیاست عراق، به سمت کاهش اثرگذاری ایران پیش می‌رود. این تا حدی نتیجه تحولات سیاسی داخلی عراق است و این حقیقت که نظام سیاسی این کشور، هر چه از زمان صدام حسین دور می‌شویم، طبعاً قوام بیشتری می‌یابد، تا حدی نیز این وضعیت نتیجه قرارگرفتن ایران در موضع ضعف در تحولات منطقه است که باعث می‌شود، انگیزه صاحبان مناصب بغداد برای نزدیکی به ایران کمتر شود.

یک حقیقت کلی نیز همچنان برقرار است: در شرایط بحرانی سایر متحدان مستقیم ایران در منطقه، عراق همچنان محل حضور مهم‌ترین بازماندگان پدیده‌ای است که محور مقاومت خوانده می‌شد. این پایگاه، البته همانند ماه‌های پیش از انتخابات، در معرض تهدید و فشار است، اما نتیجه انتخابات اخیر، لاقابل این فشارها و تهدیدها را علیه ایران و طرفدارانش در عراق، شدیدتر نخواهد کرد. سرنوشت فرایند تشکیل دولت و احتمالاً پس از آن، بازگشت مسئله تعیین تکلیف حشدالشعبی به دستور کار بغداد، احتمالاً وضعیت را روشن‌تر خواهد کرد؛ هر چند احتمالی جدی وجود دارد که تا آن زمان، تحولات دیگر برای ایران و منطقه، متغیرهای این معادلات را باز هم تغییر دهند. فعلاً ایران ناظر نه‌چندان ناراضی تحولات عراق خواهد بودو کلافگی مشهود واشنگتن درباره عراق در کنار بی‌میلی محسوس دولت فعلی ایالات متحده به نقش آفرینی جدی‌تر در این کشور نیز، به مذاق تهران خوش می‌آید.

دیپلمات‌ها



اروپایی‌ها قائل به نقش مستقل نیستند

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره لحن بیانیه وزارت خارجه فرانسه پس از دیدار روز چهارشنبه سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران در پاریس، به‌ویژه جمله «ایران هرچه زودتر به میز مذاکره برگردد»، گفت: «تکرار یک گزاره مبنی بر اینکه «ما آماده‌ایم برای مذاکره» تغییری در واقعیت امر که طرف‌های مقابل برای مذاکره آماده نیستند، نمی‌دهد. آماده بودن برای مذاکره با اینکه شما از یک طرف بخواهید «به میز مذاکره برگردد» این سوال را ایجاد می‌کند که به کدام میز بازگردیم؟ طرف اروپایی که هر وقت صحبت از میز می‌شود، اشاره می‌کند که «برود با آمریکا صحبت کنید»، نشان می‌دهد که خودشان قائل به این نیستند که می‌توانند نقش مستقل، مسئولانه و مؤثر در یک روند دیپلماتیک ایفا کنند؛ شاید از توانمندی و اعتماد لازم برای اینکه مسئولیت‌های خودشان را انجام دهند بر خوردار نیستند.» وی ادامه داد: «بنابراین این گزاره، این جمله، بیشتر باید به آن به عنوان یک موضوع تبلیغاتی و روابط عمومی نگاه کرد تا موضعی که پشتوانه عملی و مبتنی بر حسن‌نیت و جدیت داشته باشد.» بقایی تأکید کرد: «اقدامات تقابلی، همواره مانع اصلی در پیشبرد مذاکرات بوده است. این اقدامات از سوی ایران صورت نگرفته، بلکه طرف‌های اروپایی بودند که با طرح پیش‌نویس قطعنامه‌ها در شورای امنیت سازمان ملل متحد و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسیر طبیعی مذاکرات را با بن‌بست مواجه کردند.» وی افزود: «گفت‌وگو با یک کشور به معنای آغاز روند مذاکرات نیست.»



تماس عراقچی با همتای ژاپنی

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، ظهر دوشنبه در تماس تلفنی با توشی‌میتسو موته‌گی وزیر امور خارجه ژاپن، ضمن تبریک انتصاب مجدد آقای موته‌گی به عنوان وزیر امور خارجه ژاپن، ابراز امیدواری کرد که با توجه به تجربه دوره پیشین و سابقه روابط سازنده دو کشور در دوره مسئولیت ایشان، همکاری‌های نزدیک، خلاقانه و مؤثر در دوران جدید نیز تداوم یابد. وزیر امور خارجه ایران با مروری بر آخرین روندهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران و اقدامات و مواضع آمریکا و سه کشور اروپایی، تصریح کرد: «این آمریکاست که باید با جلب اعتماد ایران به دیپلماسی بازگردد.» وزیر خار چه ژاپن نیز با تأکید بر تعهد توکیو به ایفای نقش سازنده در تقویت صلح و ثبات در منطقه غرب آسیا، از ابتکارهای سیاسی برای حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی استقبال کرد و بر حمایت کشورش از راه‌حل‌های سیاسی تأکید نمود.



تکذیب نقل قول درباره لبنان

دفتر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی خبر منتشرشده در یک روزنامه به نقل از سیدکمال خرازی را تکذیب کرد. روزنامه الدستور در تاریخ پنجم آذر ۱۴۰۴ به نقل از خبرگزاری رویترز مدعی شده بود که کمال خرازی اعلام کرده است هرگونه تلاش برای خدشه‌دار کردن سلاح حزب‌الله لبنان، تأثیر منفی بر امنیت و ثبات این کشور خواهد گذاشت؛ این در حالی است که ریاست شورای راهبردی روابط خارجی اساساً مصاحبه‌ای در این باره نداشته است.